

تلاقی سه زبان در آذربایجان ایران

(تحلیل جامعه‌شناختی-تاریخی تعاملات میان فارسی، ترکی آذربایجانی و تاتی)

علی عبادالهی نوده

چکیده ؛

این مقاله تماس زبانی میان فارسی، ترکی آذربایجانی و تاتی را در آذربایجان ایران بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که این تماس، صرفاً یک فرایند واژه‌گیری نیست، بلکه شبکه‌ای تاریخی از تبادل، هم‌پوشانی و همگرایی زبانی است. هدف پژوهش، تحلیل الگوهای وام‌گیری واژگانی، جابه‌جایی‌های معنایی و سازوکارهای بومی‌سازی در بستر اجتماعی-تاریخی آذربایجان ایران است. داده‌ها بر پایه‌ی نمونه‌های گفتار روزمره، اصطلاحات محلی و شواهد زبانی رایج در منطقه گردآوری و به‌صورت توصیفی-تحلیلی بررسی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که فارسی در حوزه‌های رسمی، انتزاعی و فرهنگی نقش پررنگ‌تری داشته، در حالی که ترکی آذربایجانی در گفتار روزمره و الگوهای تعاملی اثرگذاری گسترده‌ای بر فارسی محلی و برخی گویش‌های تاتی برجای گذاشته است. تاتی نیز، با وجود موقعیت اقلیتی، بخشی فعال از این شبکه‌ی تماس باقی مانده و در برخی حوزه‌ها ویژگی‌های کهن خود را حفظ کرده است. در مجموع، نتایج پژوهش آذربایجان ایران را به‌مثابه یک حوزه‌ی همگرایی زبانی معرفی می‌کند که در آن مرزهای زبانی به‌واسطه‌ی همزیستی طولانی‌مدت، سیال و بازتعریف‌پذیر شده‌اند.

واژگان کلیدی: تماس زبانی، آذربایجان ایران، فارسی، ترکی آذربایجانی، تاتی، همگرایی زبانی

۱. مقدمه

آذربایجان ایران از مهم‌ترین مناطق چندزبانه‌ی فلات ایران است و در آن، فارسی، ترکی آذربایجانی و تاتی در سطح‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی در تماس تاریخی بوده‌اند. فارسی در این منطقه همواره زبان پرستیژ ادبی و دیوانی بوده، ترکی آذربایجانی زبان غالب ارتباط روزمره محسوب شده، و تاتی نیز به‌عنوان بازمانده‌ای از زبان‌های ایرانی شمال‌غربی در برخی نواحی حضور داشته است. این همزیستی طولانی‌مدت، زمینه‌ساز تبادل واژگانی، هم‌پوشانی معنایی و گاه اثرپذیری ساختاری میان این زبان‌ها شده است (فیشمن ۱۳۵۱؛ هاوگن ۱۳۲۹؛ ویندفور ۱۳۸۸).

پژوهش حاضر مدعی است که تعامل میان این سه زبان، عاملی برای “غناي زبانی” و شکل‌گیری یک هویت فرهنگی چندلایه در آذربایجان بوده است که نشان‌دهنده‌ی سازوکارهای پیچیده‌ی بقا و تعامل در جوامع چندزبانه است. همچنین این پژوهش می‌کوشد، این تعامل را نه در قالب وام‌واژه‌های منفرد، بلکه به‌مثابه‌ی یک فرایند اجتماعی-تاریخی بررسی کند. پرسش اصلی این است که چگونه سه زبان با جایگاه‌های متفاوت اجتماعی، در بستر تعامل مستمر، بر یکدیگر اثر گذاشته‌اند و این اثرگذاری در چه حوزه‌هایی بیشترین نمود را دارد. از این رو، مقاله بر سه محور تمرکز می‌کند:

۱) وام‌گیری واژگانی،

۲) هم‌پوشانی معنایی

۳) بومی‌سازی و تثبیت الگوهای محاوره‌ای.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات مربوط به تماس زبانی در ایران و پیرامون آن، به‌ویژه درباره‌ی زبان‌های ایرانی شمال‌غربی و ترکی آذربایجانی، نشان داده‌اند که تماس طولانی‌مدت میان زبان‌ها معمولاً به وام‌گیری واژگانی، تغییرات آوایی و همگرایی منطقه‌ای می‌انجامد (هاوگن ۱۳۲۹؛ تامسون و کافمن ۱۳۶۷). از سوی دیگر، فارسی در بیشتر دوره‌های تاریخی، زبان دارای پرستیژ و مرجع فرهنگی بوده و از این رو تأثیر قابل‌توجهی بر زبان‌های پیرامونی گذاشته است؛ در مقابل، زبان‌های محلی نیز در گفتار روزمره بر فارسی محلی اثر گذاشته‌اند (فیشمن ۱۳۵۱؛ ماتراس ۱۳۸۸).

در عین حال، پژوهش‌هایی که به‌صورت هم‌زمان فارسی، ترکی آذربایجانی و تاتی را در یک منطقه‌ی مشخص بررسی کنند، اندک‌اند. بخش بزرگی از ادبیات موجود یا بر تاتی به‌عنوان زبانی در خطر تمرکز کرده یا نفوذ فارسی در ترکی را بررسی کرده است، در حالی که رابطه‌ی سه‌جانبه‌ی این زبان‌ها کمتر به‌صورت منسجم تحلیل شده است (موزلی ۱۳۸۹؛ یارشاطر ۱۳۶۱-۱۳۶۹). این پژوهش در پی آن است که این خلأ را در سطحی توصیفی و تحلیلی پر کند.

۳. روش‌شناسی

این پژوهش با رویکردی کیفی و توصیفی-تحلیلی انجام شده است. داده‌ها از نمونه‌های رایج گفتار محلی، اصطلاحات روزمره و شواهد کاربردی زبان در آذربایجان ایران گردآوری شده‌اند. معیار انتخاب داده‌ها، بسامد بالای کاربرد، حضور در تعامل روزمره، و قابلیت نشان‌دادن تماس زبانی بوده است.

تحلیل در دو مرحله انجام شده است: نخست، شناسایی واژگان و ترکیباتی که در بیش از یک زبان یا در گفتار محلی مشترک‌اند؛ دوم، بررسی حوزه‌های معنایی و کاربردی که بیشترین میزان هم‌پوشانی را نشان می‌دهند. داده‌ها بر اساس الگوهای وام‌گیری، بومی‌سازی، و همگرایی محاوره‌ای طبقه‌بندی شدند (یوهانسون ۱۳۸۱؛ ماتراس ۱۳۸۸).

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهد که تماس میان فارسی، ترکی آذربایجانی و تاتی در آذربایجان ایران، در درجه‌ی نخست در سطح واژگانی رخ داده اما در حوزه‌های معنایی و کاربردی نیز اثرگذار بوده است. واژگانی مانند چاقو و چادر از جمله مواردی هستند که در هر سه زبان یا در گفتار محلی به‌کار می‌روند و نشان‌دهنده‌ی هم‌پوشانی واژگانی در حوزه‌های اشیا و فرهنگ مادی‌اند. همچنین، واژه‌هایی مانند قشنگ و یواش نشان می‌دهند که تماس زبانی در سطح بیان عاطفی و کنشی نیز جریان دارد. ترکیب گلن گدن نمونه‌ای از الگوهای محاوره‌ای تثبیت‌شده در نتیجه‌ی تماس طولانی‌مدت است.

مثال از جملات ساده

برای درک بهتر ساختار، این مقایسه را ببینید:

فارسی: من می‌روم به خانه.

تاتی: آز شُمه بَ شی (Az shome ba shey)

نکته: در بسیاری از گویش‌های تاتی، فعل «رفتن» (شین/شو) شباهت زیادی به فعل «رفتن» در زبان‌های ایرانی میانه دارد.

فارسی: چه می‌کنی؟ (چکار می‌کنی؟)

تاتی: چِت کِرده؟ (Chet kerde?) یا چِت کِری؟ (Chet kerî?)

ویژگی‌های شنیداری و تلفظی

۱. حفظ واج‌های قدیمی: زبان تاتی بسیاری از اصوات قدیمی زبان‌های ایرانی شمال‌غربی را حفظ کرده است. برای مثال، حرف «ز» در فارسی، در بسیاری از واژه‌های تاتی به «ژ» تبدیل می‌شود.

(مانند: روز -> روژ، زن -> ژن).

۲. ساختار ارگاتیو (Ergative): در افعال متعدی گذشته، تاتی ساختار «ارگاتیو» دارد؛ یعنی فاعل در زمان گذشته، مفعول‌گونه رفتار می‌کند (مشابه زبان کُردی سورانی). این یکی از پیچیده‌ترین و جالب‌ترین بخش‌های زبان تاتی برای زبان‌شناسان است.

۳. تأثیرپذیری: تاتی ایران به شدت تحت تأثیر زبان‌های همسایه (آذری/ترکی و فارسی) قرار گرفته است. به همین دلیل در مناطق مختلف، لغات ترکی زیادی وارد گویش‌های محلی تاتی شده است.

جدول ۱. نمونه‌هایی از واژگان و تعابیر سه‌زبانه در آذربایجان ایران

ردیف	واژه/ تعبير	معنی در گفتار محلی	فارسی	ترکی آذربایجانی	تاتی	منشا/ریشه شناختی	توضیح پژوهش
۱	چاقو	ابزار برش	چاقو	چاقو	صورت‌های نزدیک محلی	واژه مشترک منطقه‌ای خاستگاه تاریخی دقیق نیامد بررسی بیشتر	در سه زبان/ گویش واج گسترده دارد
۲	یواش	آهسته	یواش	یواش	گاه در گفتار محلی	ترکی آذربایجانی	نمونه روش نفوذ از ترکی به فارسی محلی
۳	گلن گدن	آمد و شد رفت و آمد	آمد و شد	گلن گدن	صورت‌های محلی منشا	ترکیب محاوره ترکی اصطلاحی در اسلحه	الگوی تکراری تعاملی با کاربرد اجتماعی
۴	قُرُق	بته به بافت منع و حراست کردن گروه گروه	قُرُق	قُرُق	صورت‌های متفاوت	یک واژه اصلی ترکی آذربایجانی است. وام واژه‌ای است که از ترکی به فارسی وارد شده به دلیل تعاملات تاریخی طولانی مدت	واژه‌ای با معانی متغیر و بافت
۵	باشقا	دیگر/ متفاوت	باشقا	باشقا	گاه رایج	ترکی آذربایجانی	در فارسی محلی نیز به صورت وام واژه دیده می‌شود
۶	خیلی	بسیار	خیلی	خیلی	گاه رایج	فارسی	در گفتار محلی با بسامد بالا
۷	دلی	دیوانه/ شیدا	دلی	دلی	صورت‌های نزدیک	ترکی آذربایجانی	در تعبیرهای عاطفی و محاوره‌ای رایج است
۸	آش	خوراک	آش	آش	صورت های نزدیک	فارسی	نمونه‌ای از واژگان بنیادین و مشترک
۹	تماشا	نگاه کردن	تماشا	تماشا	تموش -تموشا	تاتی	ریشه در زبان تاتی دارد
۱۰	یورت	سرزمین - سکونتگاه	محل سکونت	یورت	یورت	ترکی	نمونه‌ای از واژه‌های به هم نزدیک و هم معنی در ترکی آذربایجانی تاتی
۱۱	چشمه	چشمه بیرون آمدن آب از دل زمین	چشمه	وام به ترکی ترکی	صورت‌های نزدیک	فارسی	نمونه‌ای از واژه که در هر سه زبان کاربرد دارد

واژه/تعبیرفارسی ترکی آذربایجان تاتی چادر توضیح کوتاه چاقو چاقو / شکل‌های نزدیک واژه‌ی مشترک روزمره برای ابزار برش چادر چادرچادر / شکل‌های نزدیک واژه‌ی مشترک در حوزه‌ی پوشش / سرپوش قشنگ قشنگ قشنگ رایج در گفتار محلی صفت ارزیابی زیبایی؛ بسیار پرکاربرد در فارسی محلی یواش یواش یواش گاه در گفتار محلی معنای «آهسته، کم‌کم»؛ نفوذ ترکی به فارسی محلی گلن گدن واژه مورد استفاده در سلاح، آمدوشدگلن گدن شکل‌های محلی مشابه تعبیر محاوره‌ای برای رفت‌وآمد قُروق بسته به بافت قُروق بسته به گویش واژه‌ای با معانی متغیر و نیازمند بررسی بافتی این داده‌ها نشان می‌دهد که مرز میان واژه‌ی بومی و وام‌واژه در منطقه به‌سادگی قابل تشخیص نیست. بسیاری از این صورت‌ها پس از ورود به زبان مقصد، با الگوهای آوایی و نحوی آن سازگار شده‌اند و در نتیجه به بخش فعال ذخیره‌ی واژگانی گویش وران تبدیل شده‌اند (هاوگن ۱۳۲۹؛ تامسون و کافمن ۱۳۶۷).

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تماس زبانی در آذربایجان ایران تنها یک پدیده‌ی واژگانی نیست، بلکه بازتابی از روابط تاریخی قدرت، پرستیژ زبانی، و همزیستی اجتماعی است. فارسی به‌عنوان زبان رسمی و فرهنگی، بیشترین نفوذ را در حوزه‌های انتزاعی، ادبی و آموزشی داشته است؛ ترکی آذربایجانی در زندگی روزمره و ارتباطات محلی اثرگذارتر بوده؛ و تاتی، با وجود فشارهای زبانی، بخش‌هایی از ساخت و واژگان کهن خود را حفظ کرده است (موزلی ۱۳۸۹؛ ویندفور ۱۳۸۸).

از منظر جامعه‌شناسی زبان، این الگوها بیانگر توزیع نابرابر قدرت زبانی هستند. زبان‌های دارای پشتیبانی نهادی و فرهنگی، معمولاً در حوزه‌های رسمی اثرگذارترند، در حالی که زبان‌های روزمره در حوزه‌های محاوره‌ای و تعاملی نقش بیشتری دارند (فیشمن ۱۳۵۱). از این رو، تماس میان این سه زبان را باید نوعی «همگرایی زبانی منطقه‌ای» دانست که در آن، مرزهای زبانی به‌واسطه‌ی دادوستد مداوم و کاربرد اجتماعی، به‌تدریج نرم و سیال شده‌اند (یوهانسون ۱۳۸۱).

۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که تماس میان فارسی، ترکی آذربایجانی و تاتی در آذربایجان ایران، فرایندی پیچیده، چندلایه و تاریخی است که در آن، وام‌گیری واژگانی، هم‌پوشانی معنایی و بومی‌سازی الگوهای محاوره‌ای به‌طور هم‌زمان رخ داده‌اند. فارسی در حوزه‌های رسمی و فرهنگی نقش پررنگ‌تری داشته، ترکی آذربایجانی در گفتار روزمره و روابط اجتماعی اثرگذار بوده، و تاتی نیز با وجود جایگاه اقلیتی، بخشی از این شبکه‌ی تماس را شکل داده است.

در مجموع، آذربایجان ایران را می‌توان یک حوزه‌ی همگرایی زبانی دانست؛ حوزه‌ای که در آن، زبان‌ها نه در تقابل مطلق، بلکه در تعامل، مذاکره و بازتعریف مداوم با یکدیگر قرار دارند.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهد که تماس میان فارسی، ترکی آذربایجانی و تاتی در آذربایجان ایران، در درجه‌ی نخست در سطح واژگانی رخ داده اما در حوزه‌های معنایی و کاربردی نیز اثرگذار بوده است. واژگانی مانند چاقو و چادر از جمله مواردی هستند که در هر سه زبان یا در گفتار محلی به‌کار می‌روند و نشان‌دهنده‌ی هم‌پوشانی واژگانی در حوزه‌های اشیا و فرهنگ مادی‌اند. همچنین، واژه‌هایی مانند قشنگ و یواش نشان می‌دهند که تماس زبانی در سطح بیان عاطفی و کنشی نیز جریان دارد. ترکیب گلن گدن نمونه‌ای از الگوهای محاوره‌ای تثبیت‌شده در نتیجه‌ی تماس طولانی‌مدت است.

مثال از جملات ساده

برای درک بهتر ساختار، این مقایسه را ببینید:

فارسی: من می‌روم به خانه.

تاتی: آز شُمه بَ شِی ((Az shome ba shey))

نکته: در بسیاری از گویش‌های تاتی، فعل «رفتن» (شَین/شو) شباهت زیادی به فعل «رفتن» در زبان‌های ایرانی میانه دارد.

فارسی: چه می‌کنی؟ (چکار می‌کنی؟)

تاتی: چِت کِرده؟ (Chet (kerde? یا چِت کِری؟ (Chet kerî?)

ویژگی‌های شنیداری و تلفظی

۱. حفظ واج‌های قدیمی: زبان تاتی بسیاری از اصوات قدیمی زبان‌های ایرانی شمال غربی را حفظ کرده است. برای مثال، حرف «ز» در فارسی، در بسیاری از واژه‌های تاتی به «ژ» تبدیل می‌شود (مانند: روز -> روژ، زن -> ژن).

۲. ساختار ارگاتیو (Ergative): در افعال متعدی گذشته، تاتی ساختار «ارگاتیو» دارد؛ یعنی فاعل در زمان گذشته، مفعول‌گونه رفتار می‌کند (مشابه زبان گُردی سورانی). این یکی از پیچیده‌ترین و جالب‌ترین بخش‌های زبان تاتی برای زبان‌شناسان است.

۳. تأثیرپذیری: تاتی ایران به شدت تحت تأثیر زبان‌های همسایه (آذری/ترکی و فارسی) قرار گرفته است. به همین دلیل در مناطق مختلف، لغات ترکی زیادی وارد گویش‌های محلی تاتی شده است.

جدول ۱. نمونه‌هایی از واژگان و تعابیر سه‌زبانه در آذربایجان ایران

ردیف	واژه/تعبیر	معنی در گفتار محلی	فارسی	ترکی آذربایجانی	تاتی	منشا/ریشه شناختی	توضیح پژوهش
۱	چاقو	ابزار برش	چاقو	چاقو	صورت‌های نزدیک محلی	واژه مشترک منطقه‌ای خاستگاه تاریخی دقیق نیامد بررسی بیشتر	در سه زبان/گویش واج گسترده دارد
۲	یواش	آهسته	یواش	یواش	گاه در گفتار محلی	ترکی آذربایجانی	نمونه روش نفوذ از ترکی به فارسی محلی
۳	گلَن گَدَن	آمد و شد رفت و آمد	آمد و شد	گلَن گَدَن	صورت‌های محلی منشا	ترکیب محاوره ترکی اصطلاحی در اسلحه	الگوی تکراری تعاملی با کاربرد اجتماعی
۴	قَزَق	بته به بافت منع و حراست کردن گروه گروه	قَزَق	قَزَق	صورت‌های متفاوت	یک واژه اصلی ترکی آذربایجانی است. وام واژه‌ای است که از ترکی به فارسی وارد شده به دلیل تعاملات تاریخی طولانی مدت	واژه‌ای با معانی متغیر و بافت
۵	باشقا	دیگر/متفاوت	باشقا	باشقا	گاه رایج	ترکی آذربایجانی	در فارسی محلی نیز به صورت وام واژه دیده می‌شود
۶	خیلی	بسیار	خیلی	خیلی	گاه رایج	فارسی	در گفتار محلی با بسامد بالا
۷	دلی	دیوانه/شیدا	دلی	دلی	صورت‌های نزدیک	ترکی آذربایجانی	در تعبیرهای عاطفی و محاوره‌ای رایج است
۸	آش	خوراک	آش	آش	صورت های نزدیک	فارسی	نمونه‌ای از واژگان بنیادین و مشترک
۹	تماشا	نگاه کردن	تماشا	تماشا	تموش -تموشا	تاتی	ریشه در زبان تاتی دارد
۱۰	یورت	سرزمین - سکونتگاه	محل سکونت	یورت	یورت	ترکی	نمونه‌ای از واژه‌های به هم نزدیک و هم معنی در ترکی آذربایجانی تاتی
۱۱	چشمه	چشمه بیرون آمدن آب از دل زمین	چشمه	وام به ترکی ترکی	صورت‌های نزدیک	فارسی	نمونه‌ای از واژه که در هر سه زبان کاربرد دارد

واژه/تعبیرفارسی ترکی آذربایجان تاتی چادر توضیح کوتاه چاقو چاقو چاقو / شکل‌های نزدیک واژه‌ی مشترک روزمره برای ابزار برش چادر چادرچادر / شکل‌های نزدیک واژه‌ی مشترک در حوزه‌ی پوشش / سرپوش قشنگ قشنگ قشنگ رایج در گفتار محلی صفت ارزیابی زیبایی؛ بسیار پرکاربرد در فارسی محلی یواش یواش یواش گاه در گفتار محلی معنای «آهسته، کم‌کم»؛ نفوذ ترکی به فارسی محلی گلن گدن واژه مورد استفاده در سلاح، آمدوشدگلن گدن شکل‌های محلی مشابه تعبیر محاوره‌ای برای رفت‌وآمد قُروق بسته به بافت قُروق بسته به گویش واژه‌ای با معانی متغیر و نیازمند بررسی بافتی این داده‌ها نشان می‌دهد که مرز میان واژه‌ی بومی و وام‌واژه در منطقه به‌سادگی قابل تشخیص نیست. بسیاری از این صورت‌ها پس از ورود به زبان مقصد، با الگوهای آوایی و نحوی آن سازگار شده‌اند و در نتیجه به بخش فعال ذخیره‌ی واژگانی گویش وران تبدیل شده‌اند (هاوگن ۱۳۲۹؛ تامسون و کافمن ۱۳۶۷).

۵. بحث

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تماس زبانی در آذربایجان ایران تنها یک پدیده‌ی واژگانی نیست، بلکه بازتابی از روابط تاریخی قدرت، پرستیژ زبانی، و هم‌زیستی اجتماعی است. فارسی به‌عنوان زبان رسمی و فرهنگی، بیشترین نفوذ را در حوزه‌های انتزاعی، ادبی و آموزشی داشته است؛ ترکی آذربایجانی در زندگی روزمره و ارتباطات محلی اثرگذارتر بوده؛ و تاتی، با وجود فشارهای زبانی، بخش‌هایی از ساخت و واژگان کهن خود را حفظ کرده است (موزلی ۱۳۸۹؛ ویندفور ۱۳۸۸).

از منظر جامعه‌شناسی زبان، این الگوها بیانگر توزیع نابرابر قدرت زبانی هستند. زبان‌های دارای پشتوانه‌ی نهادی و فرهنگی، معمولاً در حوزه‌های رسمی اثرگذارترند، در حالی که زبان‌های روزمره در حوزه‌های محاوره‌ای و تعاملی نقش بیشتری دارند (فیشمن ۱۳۵۱). از این رو، تماس میان این سه زبان را باید نوعی «همگرایی زبانی منطقه‌ای» دانست که در آن، مرزهای زبانی به‌واسطه‌ی دادوستد مداوم و کاربرد اجتماعی، به‌تدریج نرم و سیال شده‌اند (یوهانسون ۱۳۸۱).

۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان می‌دهد که تماس میان فارسی، ترکی آذربایجانی و تاتی در آذربایجان ایران، فرایندی پیچیده، چندلایه و تاریخی است که در آن، وام‌گیری واژگانی، هم‌پوشانی معنایی و بومی‌سازی الگوهای محاوره‌ای به‌طور هم‌زمان رخ داده‌اند. فارسی در حوزه‌های رسمی و فرهنگی نقش پررنگ‌تری داشته، ترکی آذربایجانی در گفتار روزمره و روابط اجتماعی اثرگذار بوده، و تاتی نیز با وجود جایگاه اقلیتی، بخشی از این شبکه‌ی تماس را شکل داده است.

در مجموع، آذربایجان ایران را می‌توان یک حوزه‌ی همگرایی زبانی دانست؛ حوزه‌ای که در آن، زبان‌ها نه در تقابل مطلق، بلکه در تعامل، مذاکره و بازتعریف مداوم با یکدیگر قرار دارند.

این نتیجه برای مطالعات بعدی در حوزه‌ی زبان‌شناسی تماس، جامعه‌شناسی زبان و مستندسازی گویش‌های در خطر اهمیت دارد.

- آمانولاهی، سیکندر. ۱۳۸۸. «تاتی.» در دانشنامه ایرانیکا. نسخه‌ی برخط.
- دورفر، گرهارد. ۱۳۵۰. عناصر ترکی و مغولی در فارسی نو. ویسبادن: فرانتس اشتاینر.
- فیشمن، جاشوا آ. ۱۳۵۱. جامعه‌شناسی زبان. راولی، ماساچوست: نیوبوری هاوس.
- هاوگن، اینار. ۱۳۲۹. «تحلیل وام‌گیری زبانی.» زبان ۲۶(۲): ۲۱۰-۲۳۱.
- یوهانسون، لارس. ۱۳۸۱. «تغییر برآمده از تماس در چارچوب نسخه‌برداری رمز.» در تغییر زبان: برهم‌کنش عوامل درونی، بیرونی و فرازبانی، ویراسته‌ی ماری سی. جونز و ادیت ایش، ۲۸۵-۳۱۳. برلین: موتون د گرویتز.
- ماتراس، یارون. ۱۳۸۸. تماس زبانی. کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج.
- موزلی، کریستوفر، ویراستار. ۱۳۸۹. اطلس زبان‌های در خطر جهان. پاریس: یونسکو.
- تامسون، سارا جی. و ترنس کافمن. ۱۳۶۷. تماس زبانی، کریول‌سازی، و زبان‌شناسی ژنتیکی. برکلی: انتشارات دانشگاه کالیفرنیا.
- ویندفور، گرنوت، ویراستار. ۱۳۸۸. زبان‌های ایرانی. لندن: راتلج.
- یارشاطر، احسان، ویراستار. ۱۳۶۱-۱۳۶۹. دانشنامه ایرانیکا. لندن و نیویورک: راتلج و کیگان پل.